

اردبیل تا چیچیو

درمسیر آراکاوا

アルテビルから秩父へ

荒川沿い

خاطرات حمید ملا حمزه زاده

سرشناسه و نام پدیدآورنده: حمید ملاحمزه زاده
اردبیل تا چیچیبو: در مسیر آراکاوا/ حمید ملاحمزه زاده

مشخصات ناشر: تهران، امید سخن، ۱۳۹۸

شابک: : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۴۱-۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان، بگر: در مسیر آراکاوا

موضوع: حمزه زاده، حمید، ۱۳۴۲- -- سفرها - ژاپن

موضوع: سفرنامه - ایران - قرن ۱۴

موضوع: ژاپن -- سفر و سیاحت -- قرن ۲۰ م.

رده بندی کنگره: ۱۳۰۵

رده بندی دیویی: ۹۱۰.۱۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۳-۶۰



ویراستار: بابک مصطفوی

طراح جلد: سعیده رزاقی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار

از نذر به دوره جوانی

در جستجوی سرنوشت

در سرزمین آفتاب تابان

در توکیو شرقی و پایتخت آسیا

شهر کوچک اوسا

چیچیو شهر آسمانی

در شهر زیبای ناگویا

چیچیو شهر من

اقامتی کوتاه در ناگویا

بازگشت به چیچیو

همکاری با یک شرکت بین‌المللی

سالهای آخر در ژاپن

پیشگفتار

دیر زمانی بود که می‌خواستم خاطراتم را بصورت کتاب درآورم. اما نمی‌دانستم چگونه و چطور این کار را انجام دهم؟ چون نه از نویسندگی چیزی می‌دانستم و نه دل و جرات اینکار را داشتم. به خود نهیب می‌زدم آخر یک دانش‌آموخته فنی و مهندسی را چه به نویسندگی.

خیلی زمان برد تا اینکه به ندای درونی خود پاسخ داده، دل به دریا زدم و گفتم هر چه بادا باد، می‌نویسم، آماه که نوشتم، رها شدم.

با ورق زدن دفتر خاطرات اسبیده و آلبوم‌های عکس بیست سال پیش به گذشته‌ای نه چندان دور سفر کردم. اتفاقات و حوادث را در ذهنم مرور کردم و یکی یکی جریانات را در مقطعی از تاریخ زنا دیم، در ذهنم پیاده کردم. سپس دست به قلم بردم، کاغذ بود که سیاه می‌کردم زمان زیادی طول نکشید که دریافتم می‌توانم نویسنده باشم هر چند یک نویسنده غیر حرفه‌ای و نا آشنا به فن نویسندگی. فقط و فقط اگر بخواهم و خواستم و شد.

این خاطرات برشی گذرا از اتفاقات هشت سال زندگی در دهه هفتاد خورشیدی مصادف با دهه نود میلادی در کشوری است که هرگز آنجا احساس غربیتی نکردم، باگریزی بر آنچه قبل از سفر بر من گذشت تا در نهایت سر از شهر چیچیبو در ژاپن درآوردم. شهری کوچک با مردمی میهمان نواز که هم چون شهر و دیار محل تولدم آنجا را دوست دارم و جای آن تا ابد در قلبم باقی

خواهد ماند. لابلای این یادداشتهای داستان گونه و مستند ضمن سوق دادن خوانندگان عزیز به خاطراتم سعی دارم شمه‌ای از آداب و رسوم و فرهنگ مردم کشور ژاپن را که در آن برهه زمانی برایم ملموس بوده، نمایان سازم. فرهنگ مردمی سخت‌کوش که پذیرای نسلی از جوانان ایران زمین بودند که بعد از جنگ در جستجوی کار به آن کشور مهاجرت کردند. آنچه در لابلای این خاطرات به آن اشاره شده مربوط به زمان گذشته می‌باشد. پر واضح است تغییر و تحولات پیشرفت‌های چشمگیر امروز کشور ژاپن قابل مقایسه با آن تاریخ نیست و همه به آن واقفند. سعی کردم آنچه را دیده و در خاطرم ثبت شده به نگارش درآورم و به‌طور حتم تغییراتی در مکان‌های مورد اشاره در متن نوشتار و تعاریف، با آنچه امروز مشاهده می‌شود وجود خواهد داشت و اگر نواقصی در نوشته‌ها دیده می‌شود اولی به علت طول زمان و دومی به علت نا‌آشنایی حقیر به فن نویسندگی است که خوانندگان عزیز با بزرگواری آن چشم پوشی کنند. اینک دفتری را که چکیده خاطرات هشت سال از بهترین دوران جوانی را که توأم با کارهای سخت و زندگی در غربت بود سال‌های که ملت بزرگ ایران در بوته آزمایش سخت و گرانبهای پس از جنگ بودند در معرض دیدگان شما عزیزان قرار می‌دهم. بدون شک این نوشته خالی از عیوب و ایراد نیست و چه بسا اشکالات فراوانی نیز بر آن وارد باشد. چون نویسنده نیست و در این رشته هیچ تخصص، سابقه و تحصیلاتی نداشته‌ام. رشته تخصصی من چیز دیگری می‌باشد که هیچ سنخیتی با ادبیات و نویسندگی ندارد ولی هر چه هست جوهره خاطراتم در سرزمین آفتاب است و آنرا دوست دارم...